

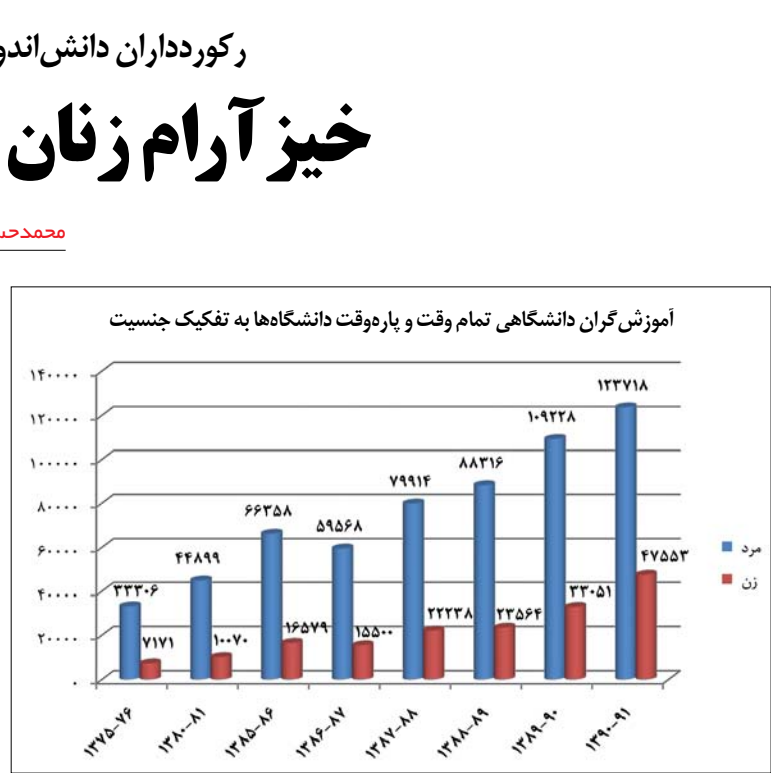
نگاه زنان کارگر و قانون کار حسن صادقی ـ فعال کارگری

● عرصه فعالیت کارگران زن در کشور را می‌توان به چهارگروه تقسیم کرد: تولید، اداری، فرهنگی و منزل. به جرات می‌توان گفت زنان کارگر از محروم‌ترین اقشار زنان در جامعه ما هستند. زنانی که برای تامین هزینه زندگی هم در عرصه اقتصاد، مردان محیط بیرون از منزل هستند و در محیط منزل، مادران و همسرانی که باید آرامش روحی همسر و تربیت فرزندان خود را فراهم کنند. بر این اساس نظام جمهوری اسلامی در قانون کار فعلی امتیازهای نسبتاً خوبی را برای کارگران زن تعریف کرده است که هر یک به سهم خود و در صورت اجرا در ایجاد آراشش روحی و اقتصادی خنثوار زن کارگر می‌تواند موثر واقع شود؛ از امتیازات قبل از زایمان و در زمان بارداری گرفته تا امتیاز ممنوعیت حمل بارهای بیش از ۲۰ کیلوگرم با دست؛ امتیاز ممنوع‌بودن کار در شیفت شب تا تسلوی حقوق زنان و مردان کارگر در محیط کار و… بین اهمیت نگاه مسوولان و قانونگذاران به زن کارگر است؛ اما نکته‌ای که مغفول مانده، میزان اجرای درست این قوانین است. در این میان، قوانین مرتبط با بحث زایمان برای هر چهار گروه اجرا می‌شود اما ممنوعیت کار در شیفت شب در اغلب واحدهای تولیدی و صنفی رعایت نمی‌شود، در بحث ممنوعیت کار در ایام تعطیل و پرداخت دستمزد و رعایت حداقل حقوق در بخش‌های تولیدی و واحدهای صنفی کوچک، رعایت نمی‌شود. حتی موضوع مرخصی زایمان و نظایر آن نیز در بخش‌های صنفی و واحدهای کوچک رعایت نمی‌شود که نمونه بارز آن کار در روز تعطیل و میلاد پیامبر بود که حادثه دلخراش آتش‌سوزی در خیابان جهوری را موجب شد که دو زن کارگر، قربانی حادثه شدند. دو زنی که نه بیمه بودند و نه حداقل حقوق را دریافت می‌کردند. بنابراین با وجود زیبا نگارش‌شدن قوانین پیرامون زن کارگر و امتیازهای بسیار ارزشمندی که قانونگذار در این خصوص برای آنها در نظر گرفته اما به‌بدیل اجرای بد قانون و نظارت ناقص بر محیط کار شاهد تضییع حقوق زنان کارگر بسیاری در سطح کشور به‌خصوص در محیط‌های کاری و واحدهای صنفی و تولیدی کوچک هستیم که امیدوارم دولت تدبیر و امید با به‌کارگیری بازرسی کار و اصلاح قانون صنفی بستر رعایت حقوق کارگران زن منطبق با قانون کار و تامین‌اجتماعی را فراهم آورد تا جامعه شاهد رعایت و تسلوی حقوق زنان و مردان کارگر در محیط‌های کار باشد.

ادامه از صفحه اول

اتلاف عقلمانی برای زنان

... فرهنگی و کارکرد این نظریات در فمینیسم واقعا موجود در ایران، تفاوت‌ها و بعضاً تضادهای عدیدهای دیده می‌شود که قابل بحث و بررسی است. مرفضطر از دیدگاه رایج که بیشتر از سر طنز، مردی که در شستن ظروف به زنش کمک می‌کند خود را برابری‌خواه و طرفدار حقوق زنان می‌نامد؛ گفتمان فمینیستی واقعا موجود در ایران که بر تعداد کثیری از فصالان برابری‌خواه حقوق زنان حاکم است اما عز مسلمان، اصلاحطلب، سکولار و غیره گفتمان فمینیسم لیبرال است که خود را گفتمان مقاومت نیز تعریف می‌کند. این گفتمان برگرفته از نظریه فمینیسم لیبرال است که با تایید و تاکید بر تفاوت‌های بیولوژیک برای رسیدن به برابری حقوق و تحقق مطالبات خود نگاه به دولت دارد و خواهان رواداری و اعمال تبعیض‌های مثبت دولت بفعف زن است. با این پیش‌فرض تعجبی ندارد اگر می‌بینیم که جنبش زنان در ایران در بزنگاههای انتخاباتی و زمان تغییر مجلس و ریاست‌جمهوری یا در واکنش انتقادی به لوایح و برنامه‌ها و قوانین تبعیض آمیز مشتاق برگزاری ائتلاف و هم‌اندیشی و همگرایی می‌شود و دیگر هیچ! پرسش این است چرا تاکنون اصل از تفکای آگاهی‌ها و تفکرات اندیشه و خلاقیت و عقلایت خودنیدان برای زنان ایجاد تغییرات خودخواسته و زندگی بهتر نتوانسته انگیزه و محرک کنشگران برابری‌خواه برای شکل‌گیری ائتلاف‌ها و هم‌اندیشی‌ها شود؟ محصول تفاوت رویکرد و نتیجه کنش عقلائی و ارادی برای تغییر وضعیت موجود زنان با رفتار و گفتار واکشی در قبال اراده قدرت و قانونگذار همین وضعیتی است که فعالان جنبش زنان دارند که به دور از تعارفت معمول همچون جزایر پراکنده رد و بیگانه از هم به سر می‌پرند. خلاصه اینکه هرگاه دولتی منعطف و معتدل سر کار آمده باشد جنبش زنان رشدی بادکنکی کرده و هرگاه دولت سخت گیر و متصلب بوده جنبش زنان در سکوت فروکش می‌کند. در حالی‌که بسیاری از زنانی که ادعای زن‌محوری دارند - فارغ از احوال دولت - در همه حال با انگیزه قوی توانمندسازی زنان عملا در جهت رشد عقلایت و آگاهی‌های زنان حرکت می‌کنند و به نتایج درخشانی دست یافته‌اند که فمینیست‌های ایرانی از آنان به‌عنوان زنان رشدیافته برابری‌خواه یاد می‌کنند. به‌نظر می‌رسد برای خلاصی‌شدن از گفتمان واکنشی موجود و آویخته به دولت در ایران، یک راه این باشد که بپذیریم زنان مختلف مشکلات متفاوتی را تجربه می‌کنند بنابراین دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به زندگی دارند. می‌توان از تجارب زیسته‌شده گروه‌های مختلف زنان و مردانی که به حاشیه رانده شده‌اند دستور کارهایی برای مشخص کردن مشکلات و مطالبات سیاسی اجتماعی عصر حاضر استخراج کنیم؛ مشکلاتی که الزاما از موضع قدرت دیده نمی‌شوند. تجربه مشترک حاشیه‌ای بودن برای زن و مرد دردآور است و می‌تواند به فهمی مشترک از هزینه‌های به حاشیه‌اندنشدن شکل دهد. این فهم می‌تواند به‌طور عینی و واقعی مبنای سیاست جمعی و شکل‌گیری همگرایی و ائتلاف به‌مفایه کنشی ارادی و عقلائی شود.

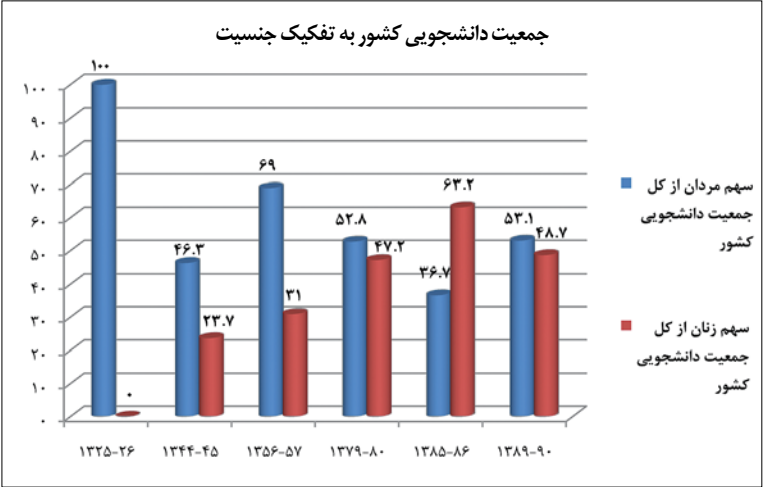


تحصیلی آنها حتی از پسران بیشتر است.

است که این روزها دولتمردان و به‌خصوص مسوولان آموزش‌عالی کشور با آن روبه‌رو هستند. این‌افزایش به‌گونه‌ای است که طی چندسال گذشته نسبت دانشجویان زن را به بیش از ۵۰درصد کل دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه‌ها رسانده است؛ نسبتی که اقشار مختلفی را نگران کرده است و اقشار دیگری را امیدوار. با اینکه ترکیب جمعیتی دختران در رشته‌های مختلف متفاوت است و در رشته‌های فنی و مهندسی به حائقل می‌رسد ولی این وضعیت نیز چیزی از نگرانی‌ها نمی‌کاهد و چیزی هم به امیدواری‌ها اضافه نمی‌کند. امروز هشت مارس روز جهانی زن است. در این گزارش سعی شده است، وضعیت زنان در آموزش‌عالی ایران و پی از آن نسبت ورود زنان به بازار کار مورد بررسی قرار گیرد. هم‌اکنون گرچه زنان بر اساس فاکتورهای کمی، سهم بالا و قابل‌قبولی در تحصیل علم، در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دارند و در حیات افزایش سهم خود در مقطع دکترا هستند، اما سهم آنان در بازار کار ایران و هیات‌های علمی، سهم اندکی است؛ مسالهای که نشان می‌دهد، این فرصت تاریخی برای زنان ایرانی، هنوز در مقطع تحصیل علم، متوقف مانده است و محیط‌های اجتماعی، علمی و اقتصادی مانند بازار کار، تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و در زمینه تولید علم، به ظرفیتی بافعل تبدیل نشده است.

خیزش آرام زنان در حوزه دانش رشد چشمگیر آموزش زنان در ایران که به‌روشنی در داده‌های آماری سده‌ه اخیر جامعه ایران بازتاب یافته است، همه سطوح تحصیلی، از کلاس‌های سوادآموزی تا دانشگاه را در بر می‌گیرد. نرخ بی‌سوادی در میان زنان از ۶۲ درصد برای کل کشور در سال ۱۳۵۵ به کمتر از ۲۰ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. با آنکه هنوز برخی کمبودهایی در برخی از مناطق روستایی مشاهده می‌شود، اما می‌توان گفت که برای نخستین‌بار در تاریخ آموزش نوین در کشور ما، دختران در بخش‌های بزرگی از ایران، از پوشش تحصیلی کموبیش همسانی با پسران برخوردارند و میزان موفقیت در مدارس کشور نسبت پسران ۵۱ درصد و دختران ۴۹ درصد

رکوردداران دانش‌اندوزی؛ در تنگنای اشتغال خیز آرام زنان پشت سد موانع محمدحسین نجاتی



کنند. از طرف دیگر، آمارهای مجمع جهانی اقتصاد حاکی از مشارکت ۴۲درصدی زنان در فعالیتهای اقتصادی است. بر اساس آمارهای این مجمع زنان چهارهزارو۴۷۵دلار و مردان ۱۱ هزارو۴۶۳دلار درآمد دارند که با بررسی این آمار درمی‌یابیم مردان دو برابر زنان درآمد دارند. بر اساس آمار مجمع جهانی اقتصاد، ایران در رتبه ۱۱۶ از حیث فعالیتهای اقتصادی زنان قرار دارد که این آمار در گذشته جایگاه ۱۸ را نشان می‌داد.

زنان در دانشگاه‌های کیفیت پایین از سوی دیگر علاوه بر مسایل مطرح‌شده نابرابری‌ها در جمعیت دانشجویی کشور نیز مشهودتر است. کمتر از ۳۹درصد دانشجویان دانشگاه آزاد و ۴۳درصد دانشجویان دانشگاه‌های روزانه را دختران و زنان جامعه تشکیل می‌دهند. این‌ها غالبا به پیامور پنهان آورده‌اند به‌طوری که ۸/۵درصد دانشجویان دانشگاه پیامپور را زنان تشکیل می‌دهند. دانشگاه‌هایی که وقتی کیفیت در آموزش حضوری کشور دچار چالش‌های خاص خود است، تکلیف نیمه‌حضوریش معلوم است. در دانشجویان تحصیلات تکمیلی، سهم زنان ۴۶درصد در دوره کارشناسی ارشد و ۳۷درصد در دوره دکتری تخصصی است. این سهم در دوره دکتری ارشد نیز حضوری تا حد ۴۰درصد پایین می‌آید. همچنین وقتی نوبت به دانش‌اموختگان می‌رسد زنان بیشتر دست پایین دارند. سهمشان در برورناد دانشگاه‌های دولتی کمتر از ۳۸درصد و در بقیه هم حداکثر ۴۰درصد است. این شاخص در دوره‌های دکترا به پایین‌تر از ۳۲درصد نیز تنزل می‌یابد.

توسعه نامتوازن آموزش عالی زنان با این حال، شاید، افزایش میزان حضور زنان در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و افزایش سهم آنها در مقطع دکترا، در ظاهر تجربه امیدبخشی برای زنان ایرانی باشد، اما با توجه به سهم اندک آنان در هیات‌های علمی دانشگاه‌ها، سهم اندک در بازار کار ایران و پناه‌آوردن آنان به دانشگاه‌های با کیفیت پایین، می‌توان نسبت به توسعه نامتوازن آموزش عالی زنان، ابراز نگرانی کرد.

بنا بر این، باید برایشان لباس طراحی کرد و از تفاوت‌های پوشش میان کردها، لرها و عشایر مثال می‌آوردند.

به هر رو، ایده برگزاری این جشنواره‌های مد و لباس به همان سال‌ها بازمی‌گردد. در دور اول برگزاری جشنواره، روز احتاحیه مدل‌های زنده یکبار روی سن آمدند که برای حاضران و روحانیونی که در کانون پرورش فکری به مشاشای این زنانه نشسته بودند تازگی داشت و برخی از آنها چنان می‌خندیدند که شانه‌هایشان می‌لرزید و روی در لباس دیگری که کنارشان نشسته بود پنهان می‌کردند. از همان زمان اعتراض‌هایی به این برنامه که آن سال‌ها برعهده معاونت امور زنان استانداری تهران بود آغاز شد و اهمیت توجه به لباس و مقوله مدلینگ در غوغاهای سیاسی مد شد.

کارگروه طراحی مد و لباس که امروز در وزارت ارشاد اجرای این جشنواره را بر عهده دارد پس از پیمودن مسیری پرسنگلاخ سومین جشنواره با حضور مانکن‌های زنده را آغاز کرده است. قیادی خود در این زمینه گفته است: تا سال‌های گذشته ورود به حوزه مد و لباس از خطرقرص‌های به حساب می‌آمد اما ما خوشحال هستیم که در کشوری زندگی می‌کنیم که بالاترین مقام آن یعنی مقام‌معلم‌هربری با دید ویژه خود بسیاری از مشکلات قانونی و شرعی را برای ورود به عرصه مد و لباس برطرف کرده‌اند. به گزارش «فارس» همزمان با مراسم افتتاحیه در بخش نمایشگاهی علاوه بر مانکن‌های بی‌جان از مانکن‌های زنده‌ای بهره بردوند که ظاهرا قرار است در آیند‌های نه‌چندان دور به‌طور رسمی کار خود را آغاز کنند. مانکن‌های زنده‌ای که تلاش شده بود ویژگی‌های مدلینگ اسلامی، سزوار آنها باشد و از حجاب کامل اسلامی و لباس‌های غیرجذب استفاده کرده باشند. این جشنواره توسط علی مرادخانی، معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، لاله افتخاری، نماینده مجلس شورای اسلامی، حمید قبادی، دبیر کارگروه ساماندهی مد و لباس و وزارت ارشاد و جمعی از هنرمندان و طراحان لباس به‌طور رسمی افتتاح شد و تا ۲۳ اسفند نیز برپاست. از میان همسران وزراء، همسر محمدجواد ظریف وزیر امورخارج‌ه، همسر محمود واعظی وزیر ارتباطات و همسر علوی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این برنامه حضور پیدا کرده و خرید هم کرده‌اند.

است، در دوره کارشناسی این میزان با سهم ۶۰درصدی دختران به نفع دختران است و در دوره کارشناسی ارشد، نسبت دختران و پسران مساوی است.
سهم **پایین زنان در هیات علمی دانشگاه‌ها** اما همه اینها تنها یک روی سکه است چراکه در حال حاضر با اینکه بیش از ۵۰درصد از دانشجویان کشور را زنان تشکیل می‌دهند اما تنها ۲۰درصد از کرسی‌های هیات علمی دانشگاه‌ها را زنان اداره می‌کنند. بر اساس آمار رسمی از سوی وزارت علوم در حال حاضر حتی در برخی از دانشگاه‌هایی که به شکل تک جنسیتی و مخصوص زنان است، میزان حضور آقایان در هیات‌های علمی بر زنان می‌چرید. هم اکنون حدود ۲۰درصد «هیات علمی تمام وقت» دانشگاه‌های دولتی، زنان هستند و در کل هیات‌های علمی نیز ۳۲درصد هستند. در مجموع دولتی و غیردولتی، حدود ۲۴درصد هستند در استان‌هایی مانند قم و گهگیلوپه و بویراحمد، سهم زنان در هیات علمی کمتر از ۱۵درصد و در حدود ۱۲ استان محروم کشور، کمتر از ۲۰درصد است. این درحالی است که طی سال‌های اخیر نه‌تنها اقدامی برای افزایش میزان حضور زنان در هیات علمی دانشگاه‌ها صورت نگرفته است بلکه اقداماتی همچون تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها و محدودیت‌ها برای پذیرش دختران در دانشگاه‌ها، می‌تواند سهم آنان را در هیات‌های علمی کاهش دهد.

سهم ۱۳درصدی زنان از بازار کار از سوی دیگر، بر اساس گزارش‌های سازمان کار هم‌اکنون ۱۳درصد از زنان ایرانی مشغول به کار هستند که این آمار در مقایسه با آنچه قرار بود به آن دست پیدا کنیم در رتبه پایینی قرار دارد. طی پنج سال اخیر همراه با افزایش آموزش زنان نرخ مشارکت این افراد رشد قابل توجهی داشته است. براساس برنامه چهارم توسعه پیش‌بینی شده بود نرخ مشارکت زنان در سال ۱۳۶۲، ۸۸ درصد و مردان ۶۹/۲درصد باشد که با توجه به آمار مراکز آمار ایران، این موضوع هنوز محقق نشده است. بر این اساس، زنان هنوز نتوانسته‌اند به جایگاهی که قانون برایشان در نظر گرفته، دست پیدا



سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین

سیمین